

A Critical Review on the Book
“*The Rise and Fall of the Abbasids*” (132–324 AH):

**A Research into the Structure and Evolution of the Ideology,
Economics and Military Institution**

Mohammad Mortezaei*

Abstract

As an enthused group in the late Umayyad period, the Abbasids sought to mobilize their resources in the engagement with the ruling dynasty by presenting a new ideology, viz. the so-called Summon System, and undertook significant actions in enticing anti-Umayyad elements to bring them under the unified patronage promoted by the slogan “al-Riza min Al-e Muhammad.” The book “*The Rise and Fall of the Abbasids (132–324 AH): A Research into the Structure and Evolution of the Ideology, Economics and Military Institution*” is an authored work by Mohammad Ahmadi Manesh, published by the SAMT Publications in 2018. The author has fittingly organized the book in the two sections of “A Historical Inquiry” (consisting of eight chapters) and “A Theoretical Inquiry” (comprising two chapters), producing a worthwhile work. The present article attempts to review the volume, pinning down and examining its strengths and shortcomings. At any rate, as a result of the lack of due care and laxity, the volume suffers somewhat from occasional shortfalls, among them being the choice of the title “The Fall and *Down...*” and a series of points that are made in the Introduction but are not reflected in the text, not to mention the

* Associate Professor in Archaeology, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran, m_mortezayi2008@yahoo.com

Date received: 26/04/2021, Date of acceptance: 25/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

author's failure to address the complexities involved in the Abbasid rule and to adopt a holistic approach to their rise to power, particularly in Khorasan.

Keywords: Rise, Fall, Structure, Evolution, Ideology, Military, Institution, Abbasids.

نقد و بررسی کتاب

فراز و فرود عباسیان (۱۳۲ تا ۳۲۴ هجری):

پژوهش در ساختار و تحول ایدئولوژی، اقتصاد و نهاد نظامی

محمد مرتضایی*

چکیده

عباسیان که گروهی انگیزه‌شده در اواخر حکومت امویان بودند، کوشیدند با ارایه ایدئولوژی نوینی در قالب نظام دعوت، به بسیج منابع خویش در مبارزه با گروه حاکم برآیند و کنش‌های معناداری را در جذب عناصر مخالف اموی و کشاندن آن‌ها به زیر چتر واحد «الرضا من آل محمد» به انجام رسانند. کتاب *فراز و فرود عباسیان: پژوهش در ساختار و تحول ایدئولوژی، اقتصاد و نهاد نظامی* نوشته محمد احمدی‌منش است که در سال ۱۳۹۷ از سوی انتشارات سمت به حلیه طبع آراسته شده است. نگارنده کتاب را در دو بخش: «بررسی تاریخی» (شامل هشت فصل) و «بررسی نظری» (شامل دو فصل) به گونه‌ای شایسته سازمان داده و اثری قابل قبول پدید آورده است. مقاله حاضر می‌کوشد تا در چارچوب نقد اثر، نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی و بررسی نماید. به هر روی، کم‌دقتی و غفلت در برخی زمینه‌ها، به طور مثال در گزینش عنوان «فراز و فرود» و ارایه پاره‌ای نظریات در مقدمه که نمود آن در متن دیده نمی‌شود، در کنار نپرداختن به پیچیدگی‌های حکومت عباسیان و عدم نگاه جامع به موضوع به‌قدرت‌رسیدن عباسیان به ویژه در خراسان، تا حدی به کتاب آسیب رسانده است.

* دانشیار، گروه اسلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،

m_mortezayi2008@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

کلیدواژه‌ها: فراز، فرود، ساختار، ایدئولوژی، اقتصاد، نهاد نظامی، عباسیان.

۱. مقدمه

پژوهش‌های دامنه‌داری در زمینه پیدایش، خیزش و افول خلافت عباسیان صورت گرفته است، اما هنوز زوایای ناگفته بسیاری نزد مورخان و محققان تاریخ اسلام وجود دارد. هنوز مجال بررسی و ظرفیت‌های خالی در زوایای قابل تأمل این دولت بسیار است، به طوری که از خلال بیش از ۵ قرن سیطره معنوی عباسیان بر جهان اسلام و خیزش بهترین ادوار تاریخی چون عصر طلایی، شکل‌گیری انبوهی از جریان‌های فکری و فرهنگی و نیز تقابل با دولت‌های قدرتمندی چون فاطمیان و ایوبیان، پرسش‌های پرشماری به ذهن می‌رسد که تنها بخشی از این پرسش‌ها در حوزه مطالعه این کتاب قرار می‌گیرد؛ از جمله اینکه آیا می‌توان علت دوام و استمرار خلافت عباسیان و بالندگی تمدن اسلامی را در نحوه ساختار قدرت سیاسی آن جستجو نمود؟ در خلال این پرسش اساسی، برای دو پرسش دیگر نیز پاسخ فراهم خواهد آمد: نخست آنکه، مؤلفه‌های ساختار قدرت عباسیان چیست؟ و دیگر اینکه ساختار قدرت سیاسی خلافت عباسی چه تأثیری بر تمدن اسلامی نهاده است؟ منظور از ساختار قدرت در این کتاب مجموعه‌ای از نهادها و عناصر قابل بررسی است که قوام نظام سیاسی را سامان بخشیده و به عنوان اجزای اصلی نظام، هر کدام بخش و کارکرد خاصی را ایفا می‌کند و هر یک از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به تنهایی بخشی از ساختار قدرت به شمار می‌آید. این مجموعه را نظام یا دستگاه سیاسی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن را عناصر ساختاری و یا ساختار قدرت سیاسی می‌نامند. بر این اساس، می‌توان نظام خلافت عباسیان را مجموعه‌ای به هم پیوسته از نهادها، سازمان‌ها، گروه‌ها و اشخاص معینی از نژادها، طبقات و صنوف مختلف اجتماعی دانست که در این کتاب به صورت کامل و جامع به آن پرداخته شده است.

در نوشتار حاضر، یکی از کتب ارزشمند تاریخ اسلام به قلم آقای محمد احمدی‌منش مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. قالب نقد متشکل از دو بخش نقد شکلی و نقد محتوایی است. بخش شکلی بر ساختار و اصول ویرایش و نگارش کتاب استوار است و بخش مهم‌تر دیگر، نقد محتوا و مطالب را دربرمی‌گیرد که راقم این سطور به آن پرداخته است.

۲. معرفی اثر و ویژگی‌های آن

کتاب *فراز و فرود عباسیان (۱۳۲ تا ۳۲۴ هجری)*: پژوهش در ساختار و تحول ایدئولوژی، *اقتصاد و نهاد نظامی* در تابستان سال ۱۳۹۷، در ۴۲۷ صفحه و به بهای بیست و چهار هزار تومان از سوی انتشارات سمت چاپ شده است. این کتاب را محمد احمدی‌منش استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) به نگارش درآورده است و همان‌طوری که نگارنده در پیشگفتار کتاب اشاره کرده، هسته اولیه آن را رساله دکتری ایشان در گروه تاریخ دانشگاه تهران تشکیل می‌دهد. کتاب پیش‌رو مشتمل بر دو بخش است. بخش اول با عنوان «بررسی تاریخی» شامل هشت فصل است که در فصل نخست آن به خیزش سیاه‌جامگان و برآمدن عباسیان پرداخته می‌شود. موضوع فصل دوم چالش‌های پیش‌روی خلافت ابوعباس و ابوجعفر در سال‌های (۱۳۲-۱۵۸ هجری) است. سومین فصل کتاب، اقتدار و یکپارچگی دولت عباسی نام دارد. فصل چهارم جنگ داخلی بحران و تحول نام گرفته است و به غور در تحولات دولت عباسی در سال‌های (۱۹۳-۲۱۸ هجری) می‌پردازد. فصل پنجم با عنوان برآمدن سربازبرندگان نگارش یافته است. نگارنده در فصل ششم موضوع بحران سامرا و شکاف میان نظامیان را وجهه همت خود قرار داده و فصل هفتم را بازسازی دولت عباسی در محدوده زمانی ۲۵۶ تا ۲۹۵ هجری نام‌گذاری کرده است. آخرین فصل از بخش اول درباره غلبه نظامیان و ازهم‌گسیختگی دولت عباسی است. بخش دوم با عنوان «بررسی نظری» از دو فصل تشکیل می‌شود. در فصل نخست اقتصاد سیاسی و نظامی عباسیان بررسی شده و در فصل دوم به دولت، ایدئولوژی و ساختار نظامی پرداخته شده است.

۳. نقد ابعاد شکلی اثر

جلد کتاب با تصاویری از یک مینیاتور آذین شده و با قلم زیبایی که در نگارش عنوان کتاب به کار رفته، جلوه‌ای دوچندان یافته است. کتاب در قطع وزیری است که نظر به حجم و تعداد صفحه‌های آن، انتخاب مناسبی بوده است. همچنین، از غلط‌های چاپی در کتاب خبری نیست؛ قلم مناسبی انتخاب شده و ویراستاری آن به خوبی انجام گرفته و قواعد ویرایشی تا حد زیادی رعایت شده است. کتاب مقدمه‌ای بسیار خوب و نثر و نگارش خوشخوانی دارد و واژه‌های فارسی به‌کارگرفته‌شده قابل توجه است. بخش‌بندی و

فصل‌بندی‌های محتوایی و زیرمجموعه‌های آن مناسب و مفید است. ارجاعات گسترده نگارنده، علاوه بر مستندسازی مطالب، از حجم بسیار زیاد منابع مورد مراجعه او خبر می‌دهد. وجود مقدمه و نتیجه‌گیری در کتاب به دسترسی سریع به مطالب آن کمک می‌کند. در ضمن، تک‌جلدی بودن اثر مزایایی از قبیل سهولت حمل، سرعت در دست‌یافتن به مطالب درون کتاب، و پرهیز از زیاده‌گویی را برای آن به ارمغان آورده است. درج فهرست مطالب در ابتدا و فهرست‌های گوناگون و اعلام در انتهای کتاب، امکان بهره‌گیری سریع از آن را آسان‌تر کرده است. خط و قلم متناسب که از ویژگی‌های چاپی اثر است، نیز به سهولت استفاده از آن افزوده است.

۴. نقد محتوایی کتاب

کتاب با سخن کوتاه و دو صفحه‌ای نگارنده آغاز می‌شود. پاره‌ای نظرات در مقدمه بیان شده که نمود آن نظریات را در متن کتاب نمی‌بینیم. به عنوان مثال:

چرا عباسیان که خود تازی‌نژاد بودند، هیچ‌گاه جنگاوران عرب را در مقام بخش مهمی از سپاه زیر فرمان خود به کار نمی‌گیرند و به جای آن‌ها به جنگاورانی که از اطراف و اکناف مرزهای خلافت و حتی بیرون از آن فراهم می‌آمدند، روی می‌آوردند؟ و نظایر این‌ها.

یکی از ایرادات کتاب بخشی از عنوان اصلی آن است: فراز و فرود. واژه «فراز» برای کتاب عنوان شایسته‌ای است، اما «فرود» عباسیان در سال ۳۳۴ هجری محل درنگ است؛ چون حکومت عباسیان یک امپراطوری بود که بیش از ۵ قرن دوام داشت و یک ساختار به‌هم‌ریخته نمی‌توانست مدتی به این درازی دوام بیاورد.

فصل نخست این بخش به خیزش سیاه‌جامگان و ظهور عباسیان (اواخر سده یکم تا ۱۳۲ ه.ق.) و تحولاتی که در جهان اسلام قبل از روی کار آمدن عباسیان از جمله خیزش سیاه‌جامگان به سرداری ابومسلم خراسانی و دیگر رویدادهای مهم آن می‌پردازد. شایسته بود نگارنده محترم در این فصل به بخش‌هایی از جمله چگونگی به قدرت رسیدن عباسیان در خراسان، جنگ عباسیان با عبدالله ابن علی در شام که ادعای خودمختاری کرده بود و اعزام ابومسلم به آن منطقه برای جنگ با او از سوی سفاح و منصور نیز می‌پرداخت.

در فصل دوم نگارنده در پی تبیین این موضوع است که «ایدئولوژی» و «سازمان» جنبشی که به هنگام خیزش علنی جامعه سیاه بر تن کرد، چگونه شکل گرفت و عباسیان چگونه میوه آن را در دامان خویش یافتند. جنبش سیاه‌جامگان خراسان با کمک هواداران ایرانی و عرب خود بر خلافت اموی چیره گردید و قدرت را به دست خاندان عباسی سپرد. این پیروزی در اصل با بهره‌گیری از سازمان دعوت کیسانی (Said Agha 2003, 7-12)، که از چند دهه پیش به‌ویژه در خراسان فعال بود، ممکن شد؛ سازمانی که اصول و باورهای گوناگونی همچون پاره‌ای از آموزه‌های خرمی (بهرامیان ۱۳۷۳، ۳۷۳-۳۸۱)، باور به حق ویژه خاندان پیامبر (ص) همراه با اصل سیاسی عام‌تر اهمیت رضایت با اجماع مسلمانان یا رهبران آن‌ها، بدان راه یافته و در آن کمابیش پذیرفته شده بود. دست‌کم شعار معروف «الرضا من آل محمد» نمایانگر نفوذ دو اندیشه اخیر در ایدئولوژی سیاسی جنبش سیاه‌جامگان پیش از پیروزی و کسب قدرت است (اخبار الدوله العباسیه ۱۹۷۱، ۱۹۴). به احتمال فراوان، بسیاری از هواداران ساده‌دل، خوشبین و البته مسلمان جنبش سیاه‌جامگان امیدوار بودند که در آینده پس از پیروزی این جنبش، افراد شایسته‌ای از خاندان پیامبر (ص) که تأیید عموم مسلمانان یا شورایی از بزرگان ایشان را پشت سر خود داشتند، پیشوایی مسلمانان را به عهده گیرند. به هر روی، نزد این توده هواداران، افراد خاندان عباسی بی‌گمان معتبرترین این نامزدها به‌شمار نمی‌آمدند. اما در میدان واقعیت، رویدادها برخلاف این امیدها رقم خورد. شاخه عباسی خاندان بنی‌هاشم، که از زمانی نامعلوم و در فرایندی رازآلود در شبکه داعیان کیسانی در خراسان و عراق نفوذ یافته بود (فلوتن ۱۳۹۰، ۹۸-۱۰۰)، توانست رهبری عالی جنبش سیاه‌جامگان را به دست گیرد و سرانجام جایگاه خود را در خلافت مسلمانان استوار سازد. نگارنده در این فصل کامل و جامع به چالش‌های اولیه حکومت عباسیان پرداخته است، اما درباره عباسیان پرسش‌های دیگری نیز مطرح است که شایسته بود در این فصل به آنها اشاره می‌شد. از جمله اینکه: که چرا سفاح خلیفه می‌شود در حالی که برادر کوچک‌تر است؛ یا نقش منصور در مقام معمار امپراطوری عباسی در این فصل باید پررنگ‌تر می‌بود. همچنین نحوه برخورد عباسیان با مخالفان بسیار کم‌رنگ است و بهتر بود گسترده‌تر به آن پرداخته می‌شد. در صفحه ۷۵ فصل دوم، خیزران همسر مهدی خوانده شده است که درست نیست (جهشیاری، ۱۳۷، ۱۳۴۸).

عنوان فصل سوم با عنوان یکپارچگی و اقتدار خلافت (۱۵۸-۱۹۳ ه.ق.)، دولتی که ابوجعفر منصور پایه‌های آن را استوار کرد در دوره سه جانشین وی مهدی، هادی و رشید و تا سال‌های پایانی سده دوم هجری استواری خود را کمابیش بر روی همان پایه‌ها حفظ کرد. دگردیسی مهمی که در ایدئولوژی پس از روی کار آمدن روی داد، با آنکه پایگاه اجتماعی عباسیان را گسترش داد پشتوانه انسانی قابل اتکای تازه‌ای برای آن به وجود نیامد. با وجود این دگردیسی، همچنان خراسانی‌های سیاه‌جامه و سپس ابنا یعنی نسل‌های پسین سیاه‌جامگان بودند که تکیه‌گاه عباسیان به شمار می‌آمدند. می‌توان گفت اتحاد و همبستگی میان ابنا و عباسیان برجسته‌ترین ویژگی خلافت و مهم‌ترین عامل نیرومند باقی ماندن آن در این بازه بوده است (فرای ۱۳۸۰، ۵۸). گروه‌های دیگر هم‌چون رهبران قبیله‌ای، گروه‌های شامی و صاحب‌منصبانی با خاستگاه موالی، همان‌طوری که برای نمونه با واکاوی کشاکش هادی و رشید پس از مرگ مهدی نمایان می‌شود، به حاشیه رانده شدند. در این میان، فرایندهای پراهمیت دیگری نیز جریان داشت. یکی از چشم‌گیرترین آنها این بود که موج دیگری از روی آوردن به شرق و خراسان از سوی برمکیان آغاز شد که طی آن برای ورود نخبگان سیاسی، نظامی و گروه‌های جنگاور تازه از خراسان به دستگاه خلافت زمینه‌سازی گردید. اگرچه با فرو کوفتن برمکیان به دست رشید برنامه ایشان ناتمام ماند، مقاومت ابنا و شکل‌گیری دسته‌بندی تازه میان ابنا و جبهه خراسانی از پیامدهای گریزناپذیر این روند بود (طبری ۱۳۵۳، ۵۴۰۸). نبرد ویرانگر میان مامون و امین و هوادارانشان را نیز از جنبه‌های مهمی می‌توان ادامه همین روند و از پیامدهای آن دانست. این همه نشان می‌دهد که پشتوانه انسانی چه پیامدهای پر دامنه و ناگواری برای عباسیان پدید آورد. گذشته از این‌ها، دوره خلافت مهدی و رشید - که میان‌پرده کم‌دوام هادی میان آن‌ها فاصله کوتاه انداخت - دوران شکوه و عظمت دولت عباسیان است. دیوان‌سالاری آنچنان گسترش یافت که نگرانی و بیم رشید را نیز برانگیخت. درآمدهای دولت بر هزینه‌ها فزونی گرفت، و سپاهیان خلافت نیرومندتر از هر زمان پیش و پس از این دوره، بارها به مرزها و قلمرو بیزانس تاختند.

فصل چهارم با نام جنگ داخلی، بحران و تحول (۱۹۳-۲۱۸ ه.ق.). نخستین بحران بزرگ در دولت عباسیان، پیامد شکاف میان ابنا بغداد و نخبگان خراسانی‌ای بود که در نتیجه برنامه برمکیان قدرت یافته بودند. پیروزی مامون بر امین و سپس ورود وی به بغداد، پایان مرحله مهمی از این بحران بود که در واقع تا نیم سده بعد به صورت‌های گوناگون

باقی ماند (طبری ۱۳۵۳، ۵۴۷۸-۵۴۸۴). جنگ داخلی میان جانشینان رشید، در نهایت موجب ضعف و سپس فرو کشیده شدن ابنا از جایگاه بلند خود در دولت عباسیان گردید و بدین ترتیب پشتوانه انسانی مهم این دولت را از آن ستاند. در دوره‌های پسین، گروه‌هایی هم‌چون خراسانی‌های تازه‌وارد به رهبری خاندان طاهری، جنگاوران فرارودی و سربازبرندگان ترک به خدمت خلفا در آمدند تا نقشی همانند سپاه‌جامگان و ابنا در سده دوم به دست آورند. این دگرگونی‌ها بر ترکیب و ماهیت سپاهیان خلافت تأثیری شگرف برجای نهاد و از چشم‌اندازی کلی، سرانجام به روی آوردن عباسیان انجامید. برخی جنبه‌های مربوط به ایدئولوژی عباسیان نیز در فرایندها و رخداد‌های مربوط به خلافت □ به‌ویژه پس از پیروزی مامون □ اثر گذاشت. با این حال، رویکردهای دینی - سیاسی گوناگون مامون و مخالفان وی پیچیده‌تر از آن است که بتوان در چند جمله خلاصه کرد (گوتاس ۱۳۸۱، ۱۰۷). به هر ترتیب، دوره جنگ‌های داخلی میان امین و مامون، هم بحرانی بزرگ برای دولت عباسیان بود و هم سرآغاز تحول‌هایی بنیادین، سرنوشت‌ساز و در بسیاری موارد غیرهمسو در ساختارهای اساسی آن؛ تحول‌هایی که به تغییر در پیکربندی انجامید و اغلب با شکست و بدفرجامی روبرو شد. انتقال پایتخت به سامرا و سپس بازگرداندن آن به بغداد را می‌توان نمادی از همین واقعیت برشمرد. نگارنده حجم زیادی از مطالب این فصل و نیز کتاب را به پررنگ نشان‌دادن جنگ بین امین و مامون اختصاص داده است و این رویه با عنوان کتاب همخوانی ندارد.

فصل پنجم با عنوان برآمدن سربازبرندگان. به حاشیه رانده‌شدن ابنا در دستگاه خلافت، زمینه‌ساز درگرفتن رقابت میان دست‌کم سه گروه برای نشستن بر جای ایشان و به‌دست‌گرفتن نقش کلیدی آن‌ها بود: خراسانیان به رهبری خاندان طاهری، دسته‌های جنگاور فرارودی به فرماندهی سالاران محلی، و سربازبرندگان. رابطه و پیوند این سه گروه و به‌ویژه دو گروه آخر با عباسیان، تفاوت بسیاری با ابنا داشت (مسعودی، ۱۳۷۴، جلد ۲، ۴۷۳). انگیزه‌های وفاداری در میان آن‌ها بسیار اندک بود و خدمت خود را به طور عمده در ازای دریافت پاداش و امتیاز ارائه می‌دادند. همچنین برخلاف سپاه‌جامگان و ابنا که پیوندهای خود با خراسان را گسستند و بغداد را موطن خویش ساختند، گروه‌های یادشده هیچ‌گاه از انگیزه‌های واقع‌گرایانه محلی دست نکشیدند؛ البته غیر از سربازبرندگان که بی‌ریشه بودند یا خواسته‌های گوناگونی داشتند. خلیفگان ناگزیر بودند برای پرداخت دست‌مزد این سپاهیان چاره تازه‌ای ببیندند و این همان چیزی است که رفته‌رفته زمینه‌ساز

روی آوردن ایشان به واگذاری منافع زمین به نظامیان شد. کنار رفتن ابنا در دستگاه اعطایی و دیوانسالاری نیز جابجایی مهمی البته با اندکی تأخیر پدید آورد (مسعودی ۱۳۶۵، ج ۲، ۴۶۶). نظر به اینکه حکومت عباسیان دارای چنان پیچیدگی‌هایی است که در دنیای امروز هیچ حکومتی با دارا بودن چنین پیچیدگی‌هایی هرگز نمی‌تواند به قدرت برسد، در این فصل شایسته بود تا نگارنده به این پیچیدگی‌ها و علت‌های رقم‌خوردن این اتفاقات اشاره می‌کرد.

فصل ششم با عنوان بحران سامرا و شکاف در میان نظامیان. اگرچه می‌توان بحران سامرا را به طور مستقل واکاوی و بررسی کرد، در حقیقت ریشه‌های آن در همان بحرانی که به جنگ میان جانشینان رشید انجامید، نهفته است. با بازگشت به زمانی پیش از آن و با نگاهی ژرف و دقیق به ترکیب و ماهیت ابنا می‌توان فهمید که این گروه توان بازتولید و تداوم‌بخشیدن به هویت و همبستگی درونی، انگیزه‌ها و نقش خود در پشتیبانی از دستگاه خلافت را نداشت و حتی در شرایطی طبیعی نیز ظهور گروه‌های جدید برای جایگزینی آن دور از انتظار نبود. شهر سامرا بنا شد تا کانون و پایگاه گروه برکشیده معصم یعنی سربازبردگان و نیز دسته‌های فرارودی باشد. این در حالی است که بغداد پایگاه خراسانی‌ها و بازماندگان ابنا به رهبری طاهریان باقی ماند. به هر ترتیب، سرکشی و فزون‌خواهی سربازبردگان و سرداران سامرا، متوکل را بر آن داشت تا سپاهی جدید از سربازبردگان البته با ترکیبی متفاوت، در شهر و پایتختی نو به نام جعفریه سامان دهد (همان، ۵۳۰). تلاش متوکل ناکام ماند و به قتل وی انجامید، و از آن پس رخدادها و تحولات سامرا به طور خلاصه عبارت بودند از: کشاکش میان خلیفگان، سرداران سپاه سامرا، به‌ویژه سرداران ترک، و بدنه نظامیان سربازبرده با خاستگاه‌های قومی و سرزمینی گوناگون که در میان آنان ترکان از چیرگی نسبی برخوردار شده بودند. از سوی دیگر، دوره سامرا دوره‌ای است که ضمن آن دستگاه خلافت برای تأمین هزینه‌های خود □ که اغلب دربرگیرنده هزینه‌های نظامی می‌شد □ به واگذاری امتیاز بهره‌برداری از زمین به جای پرداخت دستمزد نقدی و کالایی روی آورد. در آن زمان اقتصاد دستگاه خلافت به دلایل گوناگون، از جمله واگرایی‌های سیاسی و ناکارآمدی دیوانسالاری، از گردآوری پول نقد کافی برای پرداخت دستمزد سربازان ناتوان بود. با این حال، با واگذاری زمین به سرداران ترک، یعنی نیرومندترین فرماندهان سامرا، وابستگی مستقیم نهاد نظامی به دولت کاهش می‌یافت و دیگر انگیزه مهمی برای وفاداری و فرمان‌بری از خلیفه وجود نداشت (طبری ۱۳۵۳، ج ۱۴،

۶۱۴۱-۶۱۴۲). در این فصل، در صفحه ۲۰۶ کتاب گفته می‌شود که بایکباک در پیروزی هوداران معترز نقش چشمگیری داشت و حکومت مصر را پاداش گرفت و وابسته خودش یعنی طولون را در مصر گذاشت. این در حالی است که طولون هرگز به مصر نرفت و در سال ۲۴۰ هجری مُرد (طبری، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ۶۲۷۲).

فصل هفتم، با نام بازسازی دولت. خلیفه الموفق را باید به‌راستی پایه‌گذار بازسازی و نوسازی دولت عباسی پس از گرفتاری‌های دوره سامرا به شمار آورد. ساختاری که وی در دوران خلافت برادرش معتمد پایه‌هایش را نهاد و فرزند او یعنی خلیفه معتضد آن را برافراشت، تا هنگام ورود بویه‌ای‌ها به بغداد همچنان پا بر جا ماند؛ البته از اواخر سده سوم یعنی پس از انتقال خلافت به مقتدر، به ورطه ناسازگاری و تنش‌های درونی افتاده بود. در این مدت، آمیزه‌ای از اقتصاد پولی و پرهیز از واگذاری زمین، سپاهیان مزدبگیر و حرفه‌ای، و دستگاه اداری گسترش‌یافته‌ای که به دست دبیران کارآزموده اداره می‌شد، ویژگی‌های اصلی دولت عباسی را تشکیل می‌داد. در یک کلام، این دوره را می‌توان مرحله چیرگی پیکربندی پول دانست که در خلافت معتمد و به دست الموفق سنگ بنای آن نهاده شد و سپس در خلافت معتضد و مکتفی به قوت و شکوفایی رسید. در این دوره نقش برجسته دیوان‌سالاری و دبیران و بر فراز آن‌ها عبیدالله بن سلیمان که در بازسازی ساختاری دولت و سپاه نقش کلیدی داشت و برتری دستگاه اداری بر نهاد نظامی بسیار چشم‌گیر است (صابی ۱۳۴۶، ۱۲-۱۳). از این نظر می‌توان دوره یادشده را نمایان‌گر بیش‌ترین سطح عقلانیت در نظام سیاسی عباسیان در طول دو سده نخست حیات آن به‌شمار آورد. با این همه، این نظم جدید، در درون خود مستعد پدید آمدن تنش‌ها و شکاف‌هایی نیز بود. این تنش‌ها از دو سرچشمه اصلی پدیدار شدند: نخست، واگرایی امیران ایالتی و سپس چشم‌داشت‌های فزاینده کارکنان بلندپایه و دون‌پایه بدنه نظامی و اداری. این چالش‌ها هر دو در دوره معتضد و مکتفی و سال‌های اندکی پس از آن، با موفقیت مهار شد، اما با روی کار آمدن خلیفه خام‌اندیش که گاه بازیچه و گاه بازیگردان رقابت‌های درونی دستگاه دولت می‌شد، این چالش‌ها در تخریب پایه‌های دولت عباسی به سطحی بازگشت‌ناپذیر رسید.

فصل هشتم، تحت عنوان بحران و فروپاشی غلبه نظامیان و گسیختگی دولت. تصرف بغداد به دست امیران بویه‌ای پیامد بحرانی بود که در اثر ترکیب ناسازگاری‌های ساختاری و

روی کار آمدن خلفا و کارگزارانی نالایق یا فرصت‌طلب در طول چهار دهه پدید آمد. تجدید حیات دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم هجری نتیجه بازگرداندن ساختار این دولت به پیکربندی پول‌پایه (Kennedy 1986, 140-141) پس از تجربه ناموفق دوره سامرا بود. با این همه، پیکربندی پول‌پایه به‌ویژه برای دولت بزرگ و گسترده‌ای هم‌چون دولت عباسیان آسیب‌ها و دشواری‌هایی را در پی داشت که از خلافت مقتدر به این سو، رفته‌رفته نمایان شد (همدانی ۱۹۶۱، ج ۱، ۵۵). نگارنده در صفحه ۲۴۱ این فصل، آورده است که امپراطوری عباسیان از دوره مقتدر به بعد شروع به زوال می‌کند. این گفته به هیچ وجه درست نیست. پایه‌های اداری عباسیان از این دوره به بعد مستحکم می‌شود و از یک نظام اداری و بودجه‌ریزی و سایر اقتضانات یک نظام سیاسی کامل برخوردار می‌گردد.

گفتیم که بخش دوم کتاب با عنوان «بررسی نظری» در دو فصل نگارش یافته است: فصل اول با عنوان اقتصاد سیاسی و نظامی عباسیان، و فصل دوم با عنوان دولت، ایدئولوژی و ساختار نظامی. نگارنده در این بخش سیمای کلی اقتصاد خلافت عباسی در دو سده نخست تاریخ آن را مورد بررسی قرار داده است. در بررسی ساختاری، بخش قابل توجهی از پدیده‌های ساختاری و فرایندهای سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک در تعامل با بسترهای اقتصادی شکل می‌گیرد و جریان می‌یابد. این بدان معناست که برای فهم ویژگی‌ها و ماهیت ساختاری دولت عباسیان از جنبه‌های سیاسی و نظامی نیز باید نخست به شناخت زیربنای اقتصادی آن پرداخت و فرایفتی روشن و تا جای ممکن خالی از ابهام در زمینه‌هایی همچون سازوکارهای پرداخت دستمزد و پاداش نظامیان، شیوه به‌خدمت‌گرفتن و سازماندهی آن‌ها، ترکیب انگیزه‌های مادی و غیرمادی جنگاوران و مواردی از این دست فراهم کرد. پیداست که برای این کار باید ساختار کلی و ویژگی‌های کلان اقتصاد دولت عباسی و نیز دگردیسی‌های آن مورد شناسایی قرار گیرد. در همین حال، شناخت اقتصاد خلافت در سده‌های نخست هجری بدون آگاهی از اقتصاد عصر ساسانی نارسا خواهد بود. این امر جدا از ارزش مقایسه‌ای، برای به‌دست‌آوردن آگاهی دقیق‌تر از ویژگی‌های اقتصاد سیاسی خلافت نیز ضروری و بایسته است.

بخش نظری در برگرفته دو محور تحلیلی است. محور نخست، مدلی نظری درباره پویه‌های حیات دولت پیش می‌نهد. این مدل روند تحول‌های مهم در بسیاری از

دولت‌های تاریخی را توضیح می‌دهد، و با این حال مدعی انطباق بر همه نظام‌های سیاسی تاریخی نیست. به طور خلاصه این نظریه به ترتیب بر اهمیت بیشتر اصل انگیزش و برابری آن یعنی ایدئولوژی در نخستین دوره حیات دولت، اصل پاداش و عامل اقتصادی در دوره میانی و در شرایط حیات بسامان و متعادل دولت، و ترکیبی از دو اصل پاداش و اجبارگری یعنی اقتصاد و نیروی نظامی در سومین دوره حیات دولت که دوره رویارویی با بحران هاست، استوار می‌باشد. در بسیاری از جاهای این بخش نگارنده در کار بست این نظریه‌ها در کتاب موفق بوده است. و یکی از ویژگی‌های خوب کتاب همین بررسی نظری در بخش دوم است که بسیار خوب ارائه شده است باین حال، بهتر بود این بخش نظری در بخش تاریخی نیز می‌آمد و در این صورت شاید استفاده بهتر و بیش‌تری از بحث نظری می‌شد.

کتاب‌های اندکی درباره تاریخ عباسیان در ایران نوشته شده است که از آن جمله‌اند: کتاب *تاریخ عباسیان* آقای دکتر خضری (۱۳۷۸)، کتاب *عباسیان در خراسان* اثر التون دنیل (۱۳۶۷) و آثار عبدالعزیز دوری (۱۹۴۳). کتاب‌های نامبرده، به استثنای کتاب التون دنیل که نگاهی جامعه‌شناسانه دارد، در اغلب موارد تنها به ذکر تاریخ عباسیان بسنده کرده‌اند؛ اما کتاب *فراز و فرود عباسیان* نگاه جامع و کاملی به تاریخ عباسیان به‌ویژه به نقش سه مقوله ایدئولوژی، اقتصاد و نهاد نظامی در حاکمیت عباسیان دارد که از این جهت در خور تقدیر است. همچنین، باید توجه داشت بیشتر کتاب‌های موجود درباره عباسیان ترجمه از کتاب‌های عربی یا انگلیسی است و کتاب تألیفی آقای دکتر خضری نیز حدود بیست سال پیش نگاشته شده است؛ برخی از این کتاب‌ها قدیمی شده است، اما کتاب آقای احمدی‌منش از این نظر شایان توجه به حساب می‌آید. از ویژگی‌های خوب دیگر این کتاب می‌توان به بهره‌گیری نگارنده محترم از اکثر منابع غربی در این حوزه اشاره کرد و می‌توان گفت این کتاب با توجه به انسجام غنای کتاب چیزی کم‌تر از نوشته‌های غربی مشابه درباره دوره عباسیان ندارد. از ویژگی‌های دیگر این کتاب تحلیل و تقسیم‌بندی رایج در فهم تاریخ است. این کتاب از تحلیل‌های رایج معاصر در فهم تاریخ عباسیان فراتر رفته است. از جمله اینکه، در برابر متن رویدادها، مناسبات، پدیده‌ها و گفتمان‌ها، زمینه‌کاوی و علت‌یابی و دسته‌بندی و تحلیل و توصیف شده است؛ کاری که یک مورخ دقیقاً باید به آن پردازد. اثر حاضر منبع مفیدی برای دانشجویان تاریخ به‌ویژه پژوهش‌گران دوره عباسی محسوب می‌شود. به ویژه آنکه، تعداد کتاب‌های مستقل درباره

تاریخ عباسیان اندک است و نیز این کتاب دارای جامعیتی نسبی در باب تاریخ عباسیان است که احاطه علمی نگارنده را می‌رساند. استفاده از منابع دست‌اول در کنار مطالعات و تحقیقات متأخر در آن از ویژگی‌های بسیار خوب کتاب است. تعریف و تحریر عملیاتی محدوده پژوهش از ویژگی‌های دیگر محتوای کتاب است. بیان و روشن ساختن نسبت برخی مطالب همسو و واژگان مترادف مانند نسبت بین تاریخ و مبانی نظری و نیز بهره‌گیری از منابع در زمینه‌های لغت، اصطلاح و تاریخ و سرانجام گشودن دریچه‌ای به منظور درک فراز و فرود عباسیان فراروی خواننده و افزایش دانش برای طلب علم از عمده‌ترین محاسن محتوایی کتاب به شمار می‌آید.

۵. نقد منابع اثر

نگارنده کتاب به دلیل فعالیت‌های چندی که در زمینه تاریخ عباسیان دارد و مقاله‌های گوناگونی که در این باره نگاشته است، به‌خوبی از جستارهای قدیم و جدید چه کتاب و چه مقاله، چه به زبان فارسی و چه غیرفارسی بهره برده و به بررسی تاریخ فراز و فرود عباسیان پرداخته است. با این حال، در برخی موارد اشتباهاتی نیز رخ داده است. از جمله، در صفحه ۵۹ کتاب به جلد سیزدهم کتاب *تاریخ الموصول* اثر شیخ ابن زکریا ازدی ارجاع داده شده است، در حالی این کتاب بیش از یک جلد نیست، و اشتباه ناشر اصلی، نگارنده را به خطا افکنده است (ازدی، ۱۹۶۷، ج ۱۶۲، ۱۳). ارزیابی و نقد ارجاعات کتاب حاکی از آن است که نویسنده در برخی موارد از جستارها و منابع دست‌اول بی‌نصیب مانده و تنها به ترجمه فارسی مقاله بسنده کرده است. از این روی، شایسته‌تر آن است که به اصل جستارها رجوع و استناد شود.

۶. نتیجه‌گیری

در ایران کتاب‌های اندکی درباره تاریخ عباسیان نوشته شده است و موارد موجود نیز از جامعیت در باب تاریخ عباسیان برخوردار نیست و اغلب به ذکر تاریخ بسنده کرده است. همچنین کتاب‌های پیشین یا ترجمه از عربی یا انگلیسی است و یا زمان زیادی از نگارش آن‌ها می‌گذرد. همچنین کتاب جامع و کاملی به‌ویژه با تمرکز بر سه مقوله ایدئولوژی،

اقتصاد و نهاد نظامی در این حوزه نگاشته نشده بود. کتاب *فراز و فرود عباسیان* این خلأهای محسوس را به نوعی پر کرده است و از این نظر شایان توجه به حساب می‌آید. از این سبب، گام نهادن نگارنده در این میدان را که با مطالعه تاریخ پر فراز و فرود عباسیان، اطلاعات ارزشمندی به مخاطب می‌دهد، باید ارج نهاد. از منظر شکلی، کتاب با قلم مناسبی نگاشته شده و ویراستاری آن به‌خوبی انجام گرفته و قواعد ویرایشی در آن رعایت شده است. حروف‌نگاری و صحافی کتاب نیز مطلوب است و صفحه‌آرایی آن مناسب و به‌قاعده انجام یافته است. از نظر محتوایی نیز کتاب دارای امتیازات بسیار خوب و قابل تحسینی است. با این حال، کاستی‌های چندی که بیشتر شکلی و محتوایی است، مشاهده می‌شود. چینش و پیوستگی فصل‌ها یا به بیانی دیگر، میزان انسجام و نظم منطقی بین فصول مطالب کتاب به‌قاعده است. تفکیک‌شدن کتاب به دو بخش تاریخی و نظری و ارایه این مطالب جدا از یکدیگر، خواننده را دچار سردرگمی نمی‌کند. همچنین، عنوان فصل‌ها بسیار مطول و بلند بالاست و می‌توانست کوتاه‌تر انتخاب شود. از منظر جامعیت محتوایی، پرداختن به پیچیدگی‌های حکومت عباسی، ارایه برخی نظریات در مقدمه که در متن مورد بحث و اشاره قرار نگرفته، و عدم نگاه جامع به موضوع به‌قدرت‌رسیدن عباسیان خاصه در خراسان، از کاستی‌های کتاب به شمار می‌رود و پیشنهاد می‌گردد در چاپ‌های سپسین به این موارد نیز پرداخته شود. ارزیابی و نقد ارجاعات کتاب حاکی از آن است که نویسنده در برخی موارد از جستارها و منابع دست‌اول بی‌نصیب مانده و تنها به ترجمه فارسی مقاله بسنده کرده است. از این روی، شایسته‌تر آن است که به اصل جستارها رجوع و استناد شود.

کتاب‌نامه

- الدوری، المطلی، عبدالعزیز، عبد الجبار (۱۹۷۱م). اخبار الدوله العباسیه، بیروت: دارالطلیعه للطباعه و النشر .
- احمدی منش، محمد (۱۳۹۷). فراز و فرود عباسیان (۱۳۲ تا ۳۳۴ه) پژوهشی در ساختار و تحول ایدئولوژی، اقتصاد و نهاد نظامی، تابستان ۱۳۹۷، قم: سمت.
- ازدی، الشیخ ابی زکریا یزیدبن محمد بن ایاس بن القاسم (۱۹۶۷م) تاریخ الموصل، تحقیق علی حبیبه، قاهره:

بهرامیان، علی (۱۳۷۳). دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۶.
جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۳۴۸). الوزراء و الكتاب، تحقیق مصطفی السقا،
ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شبلی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، بی‌نا، بی‌جا.
شعبان، محمد عبدالحی محمد (۱۳۸۶). فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان
در خراسان، ترجمه پروین ترکمنی آذر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
صابی، ابوالحسن محسن بن هلال (۱۳۴۶). رسوم دارالخلافه، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی،
تهران.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۳). تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد
فرهنگ ایران.
فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۰). تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی
و فرهنگی.
فلوتن، فان (۱۳۹۰). استیلای اعراب (شیعه و مهدویت در عهد بنی‌امیه)، ترجمه پرویز اذکایی،
قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم،
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج اذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده،
چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
همدانی، محمد بن عبدالملک (۱۹۶۱م). تکمله تاریخ الطبری، تحقیق البرت یوسف کنعان،
الطبعة الثانية، بیروت: المطبعة الكاثوليكية.

Said Agha, Saleh (۲۰۰۳). The Revolution which Toppled the Umayyads: Neither Arabs nor
Abbasids, Leiden: Brill.

Kennedy, Hugh (1986). The Prophet and the Age of the Caliphates, New York: Longman.